

تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۵، شماره ۵۵، بهار ۱۴۰۲، صص ۵۲-۷۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۱۸

(مقاله پژوهشی)

DOI: [10.30495/dk.2023.700256](https://doi.org/10.30495/dk.2023.700256)

مقایسه تطبیقی اشکال گوناگون تشبیه در حدیقه سنایی و مثنوی معنوی

سهراب یوسفی^۱، دکتر محمدعلی خالدیان^۲، دکتر روح‌الله هادی^۳، دکتر حسنعلی عباسپور^۴

اسفدن

چکیده

در تحلیل آثار کهن ادب فارسی، اغلب محتوا و درونمایه اشعار موضوع سخن بوده است و کمتر ساختار اشعار و ارتباط اجزای سخن مورد بررسی قرار گرفته است. تشبیه، به‌عنوان یکی از فنون و ابزارهای بیانی، پایه شکل‌گیری بسیاری از تصاویر شعری است. شاعر از طریق این فن با طبیعت و ماورای آن ارتباط برقرار می‌کند و ساختار ذهنی خود را با آن شکل می‌دهد. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به واکاوی و مقایسه تشبیه و طبقه‌بندی انواع آن در حدیقه سنایی و دفتر نخست مثنوی مولانا می‌پردازد. مقایسه اشکال گوناگون تشبیه در حدیقه و مثنوی، نشان‌دهنده آن است که سنایی و مولانا، هر یک، بیشتر از چه ساختارها و عناصری در سبک تعلیمی برای ادای مقاصد خویش سود جستند. براساس یافته‌های این پژوهش، تشبیه از نوع معقول به محسوس در مثنوی، و محسوس به محسوس در حدیقه پرکاربردترین تشبیهات هستند. در تقسیم‌بندی‌های دیگر، پس از تشبیه بلیغ که پرتکرارترین تشبیه در هر دو اثر است، تشبیه جمع در حدیقه و تشبیه مفروق در مثنوی در صدر قرار دارند. همچنین پدیده‌های طبیعی در هر دو اثر بیشترین عناصر به‌کاررفته در مشبه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند، که این امر می‌تواند تحت تأثیر طبیعت‌گرایی رایج در عرفان و تصوف باشد که در بسیاری موارد طبیعت را نیز دارای روح و حرکت می‌داند. نیز یکی از پرتکرارترین مشبه‌ها در این دو اثر «انسان» و پربسامدترین مشبه به «آب» است. این شباهت در نوع خود جالب توجه است و نیاز به واکاوی دارد.

واژگان کلیدی: تشبیه، عرفان، مثنوی، مولوی، حدیقه، سنایی.

^۱. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

S.Yousefi@gorganiau.ac.ir

^۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

Rhadi.ut.ac.ir

^۳. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسؤل)

M.khaleidian@gorganiau.ac.ir

^۴. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

abbaspour@gorganiau.ac.ir



مقدمه

از میان انواع صورت‌های خیال، تشبیه در عینی کردن مفاهیم انتزاعی نقش اساسی دارد و نیز جنبه بصری آن قوی‌تر است. تشبیه یکی از زیباترین و هنرمندانه‌ترین شکل تصویرگری در ادبیات بوده و هست. بدین صورت که یکی از طرفین تشبیه، در صفت یا حالتی به طرف دیگر تشبیه که در آن صفت یا حالت مرتبه‌ای والا و معروف دارد مانند می‌شود، بدون اینکه صفات یا حالات دیگر آنها موردنظر باشد. به کارگیری انواع مختلف تشبیه ارزش زیباشناسی آثار ادبی را افزایش می‌دهد و ذهن خواننده و شنونده را به اعجاب و شگفتی وامی‌دارد و همین امر اهمیت این صنعت را نمایان می‌سازد.

یکی از بارزترین تصاویر هنری که سنایی و مولانا در بیان مضامین عرفانی و تعلیمی از آن بهره برده‌اند، تشبیه است. تشبیه در آثار ایشان کاربرد وسیع و معناداری دارد و به صورت‌های گوناگون در کلامشان جلوه‌گر می‌شود. بسامد بالای تشبیه در سخن سنایی و مولانا تا حدی است که گاه در ایضاح یک مطلب به بیان یک تشبیه اکتفا نمی‌کنند و ابتدا یک حقیقت عرفانی، دینی یا اخلاقی را بیان کرده، سپس آن را با یک سلسله تمثیل‌ها مجسم می‌سازند. نکته دیگر برقراری ارتباط عمیق بین لفظ و معنای کلام در این تصاویر است؛ به‌صورتی که بین مشبه و مشبه‌به از لحاظ لفظی نیز تناسب و همانگی وجود دارد و این امر بر گیرایی و تأثیر سخن ایشان می‌افزاید.

در اینکه مولانا وامدار بی‌چون‌وچرای سنایی است و در اینکه او مثنوی معنوی را به پیروی از حدیقه سروده است، تردیدی نیست. سنایی در ساختار فکری مولانا اهمیت ویژه‌ای دارد؛ تا جایی که زمانی که حسام‌الدین از مولانا می‌خواهد از نظم غزلیات بازنایستد و منظومه‌ای به شیوه الهی‌نامه سنایی تصنیف کند، مولانا بی‌درنگ می‌پذیرد و از مطاوعت روش حکیم سرباز نمی‌زند.

در پژوهش حاضر سعی می‌شود به دو پرسش اصلی پاسخ داده شود که: الف) سنایی و مولانا هریک بیشتر از کدام نوع و شکل تشبیه استفاده کرده‌اند و چرا؟ ب) مولانا در این زمینه تا چه حد از سنایی تأثیر پذیرفته است؟ در این راستا حدیقه و دفتر نخست مثنوی مورد مطالعه قرار گرفته و انواع تشبیه بر اساس چهار معیار بررسی می‌گردد. همچنین عناصر به‌کاررفته در مشبه‌به‌ها و پربسامدترین مشبه و مشبه‌به‌ها نیز مورد تحلیل و واکاوی قرار می‌گیرد.

پیشینه تحقیق

بر اساس جست‌وجوی نگارندگان تا کنون پژوهشی که انواع تشبیه را از نظر کمی و کیفی در حدیقه و مثنوی مورد تحلیل و مقایسه قرار دهد، صورت نگرفته است. با وجود این پژوهش‌های مرتبطی در این زمینه وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود. میرباقری فرد و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله «تحلیل کاربردهای تشبیه طنز در مثنوی» معتقدند در میان اقسام تشبیه در مثنوی معنوی گونه‌ای تشبیه مشاهده می‌شود که درونمایه طنز دارد و مولوی برای انتقال مضامینی ویژه از آن بهره برده است که این گونه تشبیه را تشبیه طنز نامیده‌اند. «بررسی ساختارهای تشبیه در غزلیات شمس» از روحانی (۱۳۹۲) عنوان مقاله‌ای دیگر در ارتباط با موضوع پژوهش حاضر است. نویسنده اذعان دارد تشبیه در غزلیات مولانا حضوری پررنگ دارد و از آن در جهت بیان مضامین عاشقانه یا آموزه‌های عرفانی بهره گرفته شده است. زرقانی و همکارانش (۱۳۹۳) نیز در مقاله‌ای با عنوان «تطور استعاره عشق از سنایی تا مولانا» طرز تلقی سنایی، عطار و مولانا، به‌عنوان سه نقطه عطف در تاریخ شعر عرفانی را، از نظر مفهوم کلیدی عشق بررسی کرده‌اند. این تحقیق هم میزان نوآوری و تقلید سه چهره مذکور را در استفاده یا ساختن استعاره‌های عشق نشان می‌دهد و هم مشخص می‌سازد مفهوم عشق به‌عنوان کلیدی‌ترین اصطلاح عرفان در طول تاریخ چه تغییراتی را از سر گذرانده است. تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش‌های مذکور در بررسی تطبیقی تشبیه در حدیقه و مثنوی است. اینکه دو شاعر به ترتیب از کدام انواع تشبیه بیشتر بهره برده و چرایی این کاربرد در کلام آنها چیست. دیگر اینکه وجوه تشابه و تمایز این دو اثر در این زمینه چیست.

روش تحقیق

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از داده‌یابی کتابخانه‌ای انجام گرفته است. در فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها، با استفاده از داده‌های کمی و آماری، تحلیل‌های توصیفی و کیفی صورت گرفته است. جامعه آماری پژوهش حدیقه سنایی و دفتر نخست مثنوی معنوی است.

مبانی تحقیق

عرفان

عرفان در لغت به معنی شناخت است و در اصطلاح معرفتی است مبتنی بر ادراک که انسان به واسطه آن به‌طور مستقیم به وجود مطلق راه می‌یابد.

عرفان به طور کلی به دو بخش تقسیم می‌شود:

۱. عرفان نظری که ادراک حقیقت از طریق علم حضوری و عقل است.

۲. عرفان عملی مجموعه رفتار است مبتنی بر زهد و ریاضت که عارف را به حق برساند.

تشبیه

تشبیه ادعای خیالی مشابهت میان دو یا چند چیز است و وجه شبه اساس تشبیه و مایه خیال‌انگیزیست که معمولاً با اغراق همراه است.

شاعر صفت مشترک را به وسیله تخیل خود کشف می‌کند و تشبیه را می‌آفریند.

تشبیه از مقوله‌های مهم و پرکاربرد علم بیان است که از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. مشبه، مشبه‌به، ادات تشبیه و وجه شبه پایه‌های تشبیه هستند، مشبه و مشبه‌به طرفین تشبیه‌اند و در تمام تشبیهات حضور دارند اما ادات و وجه شبه می‌تواند حذف شود.

سنایی و حدیقه سنایی

حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی غزنوی شاعر اندیشمند ایران در قرن پنجم و ششم هجری می‌زیست. تولد سنایی در شهر غزنه که در جنوب افغانستان امروزیست، رخ داده است تاریخ دقیق ولادت او روشن نیست.

آثار سنایی شامل حدیقه الحقیقه، دیوان، کارنامه بلخ، تحریمه القلم، طریقه‌التحقیق، مکاتیب می باشد که حدیقه الحقیقه مهم‌ترین آثار اوست از شاهکارهای مهم ادبیات فارسی است و اولین کتاب مثنوی عارفانه است. حدیقه به تعبیری دایره‌المعارفی است که در آن شاعر از همه چیز سخن می‌گوید. لحن او در این کتاب تعلیمی است در نظم حدیقه کاربرد آیات و احادیث و اخبار پیامبر (ص) و صحابه دیده می‌شود که تاویلی دارد وفات سنایی را سال ۵۴۵ هـ ق می‌داند و سنایی در محله نیکوآباد شهر غزنه درگذشت.

مولانا و مثنوی

جلال‌الدین محمد فرزند بهاء‌الدین در ششم ربیع الاول سال ۶۰۴ هجری در بلخ ولادت یافت و از سلاله پیامبران شعر و ادب فارسی و خلاق‌ترین آنهاست. آثار مولوی را با دو عنوان سروده‌ها و نوشته‌ها می‌توان تقسیم کرد.

الف) اشعار: ۱. مثنوی معنوی ۲. کلیات شمس.

مهم‌ترین و پرآوازه‌ترین اثر منظوم مولوی که در واقع هم طراز با شاهنامه فردوسی از

برجسته‌ترین منظومه‌های ادبیات فارسی نیز هست، کتاب مثنوی معنوی شریف است. در این منظومه طولانی که آن را به حق باید یکی از بهترین زادگان اندیشه بشری دانست مولوی مسائل مهم و عرفانی و دینی و اخلاقی را مطرح می‌کند.

(ب) نوشته‌ها که شامل فیه ما فیه، مجالس سبعة و مکاتیب می‌باشد.

تبیین عواطف آدمی، انسان محوری و چگونگی ارتباط با پروردگار و جهان اطراف آن از جمله اندیشه‌های ناب این عارف توانمند به‌شمار می‌رود. وفات وی در پنجم جمادی‌الآخر سال ۶۷۲ در قونیه اتفاق افتاد.

بحث

در این بخش تشبیه بر اساس چهار معیار مورد تقسیم‌بندی و بررسی قرار گرفته است: برحسب فشردگی یا گستردگی ساختار آن؛ برحسب عقلی یا حسی بودن طرفین؛ برحسب فرم و شکل آن؛ و بر اساس عناصر به‌کاررفته در مشبه‌به‌ها. در ادامه به بررسی اشکال گوناگون تشبیه در حدیقه و دفتر اول مثنوی پرداخته می‌شود.

تقسیم تشبیه بر حسب فشردگی یا گستردگی ساختار آن

در این تقسیم‌بندی کوتاه‌ترین شکل و ساختار تشبیه، یعنی اضافه تشبیهی را «تشبیه فشرده» و هر تشبیه دیگری که بیرون از محدوده این ساختار قرار گیرد، «تشبیه گسترده» نامیده‌ایم. در این جستار، تشبیه بلیغ و تشبیه مجمل جزو تشبیهات فشرده و تشبیه مفصل و مطلق جزو تشبیهات گسترده در نظر گرفته شده‌اند.

الف) تشبیه مطلق: وقتی تشبیه دارای تمامی ارکان خود، یعنی مشبه، مشبه‌به، وجه شبه و ادات تشبیه باشد، به آن تشبیه مطلق می‌گویند. «تشبیه در صورت گسترده و کامل خود جمله‌ای است که چهار جزء دارد که به آنها ارکان تشبیه می‌گویند» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۳۴). به یک نمونه از این تشبیه در حدیقه توجه کنید:

یا رب این پندها ز نااهلان همچو عنقا ز بد کنی پنهان

(سنایی، ۱۳۲۹: ۷۴۱، ب ۱۴)

تعداد تشبیهات مطلق در مثنوی کمتر از حدیقه است؛ این مسئله نشان می‌دهد مولانا به بیان تمامی ارکان در تشبیه رغبت بیشتری نشان داده است که البته این امر می‌تواند ناشی از رشد و تطور تشبیه و حرکت هرچه بیشتر آن به سمت استعاره در طول تاریخ بلاغت باشد. در مصراع دوم بیت زیر، شاهد تشبیه مطلق هستیم.

از هلیله قبض شد اطلاق رفت آب آتش را مدد شد همچو نفت
(مولوی، ۱۳۶۸: ج ۱، ب ۵۴)

ب) تشبیه مفصل: تشبیهی است که وجه شبه آن ذکر شود. در تشبیهات مفصل جایگاه چندانی برای تأمل و مشارکت مخاطب وجود ندارد. توجه شاعر بدین نوع تشبیه می‌تواند بیانگر پرهیز او از شعر سمبلیک و استعاری باشد. در حدیقه تعداد تشبیهات مفصل در مقایسه با تشبیه مجمل بسیار کمتر (حدود یک‌دهم) است. این امر نشان می‌دهد سنایی علاقه‌ای به ذکر وجه شبه و تبیین آن برای مخاطب نداشته است و تلاش ذهنی و ادبی مخاطب را خواستار است. به نمونه‌هایی از این تشبیه در حدیقه اشاره می‌شود:

همچو طوبی است تازه و خوش و نو به همه جایگه رسیده چون او
(سنایی، ۷۱۱۳۲۹: ب ۱۰)

قول او ختم دان تو، چون قرآن لفظ او جزم دان تو، چون فرقان
(همان، ۲۰۴، ب ۱۳)

در دفتر اول مثنوی نیز تعداد تشبیهات مجمل در مقایسه با تشبیهات مفصل بسیار کمتر است و از این نظر میان این دو اثر شباهت وجود دارد.

چون سلیمانی دلا در مهتری بر پری و دیو زن انگشتری
(مولوی، ۱۳۶۸: ج ۱، ۳۵۷۸)

رنگ و بو غمّاز آمد چون جرس از فرس آگه کند بانگ فرس
(همان، ج ۱، ۱۲۶۸)

ج) تشبیه مجمل: تشبیه فشرده در استعمال سنایی و مولانا گاه مصداق تشبیه مجمل است که وجه شبه در آن حذف می‌گردد. برخلاف تشبیه مفصل، در این نوع تشبیه، وجه شبه ذکر نمی‌شود و این نوع تشبیه در قیاس با تشبیه مفصل ادبی‌تر است؛ زیرا ذکر وجه شبه، شباهت طرفین تشبیه را محدود می‌کند و مانع جولان ذهن می‌گردد. بسامد این تشبیه در حدیقه بیشتر از دفتر نخست مثنوی است و بخش عمده تشبیهات حدیقه خالی از اشاره به وجه شبه هستند (با احتساب تشبیه‌های بلیغ). در دفتر نخست مثنوی نیز تعداد تشبیهات مجمل تقریباً چهار برابر تعداد تشبیهات مفصل است.

د) تشبیه بلیغ: تشبیه فشرده به جهت کوتاهی و فشردگی ساختار و حذف وجه شبه و ادات تشبیه در آن، از بلاغت و تأثیر بیشتری نسبت به تشبیه گسترده برخوردار است. از این رو به این

ساختار تشبیه بلیغ گفته می‌شود؛ چراکه همواره ذهن شنونده و مخاطبش را برای دست یافتن به رابطه طرفین تشبیه یا وجه شبه آن دو به جست‌وجو و کوشش وامی‌دارد و قدرت تخیل او را در این جهت فعال می‌نماید (ر.ک: میرصادقی، ۱۳۷۳: ۶۹-۸۳). در حدیقه سنایی بسامد تشبیه بلیغ اضافی کمتر از تشبیه بلیغ غیراضافی (حدود یک‌سوم) است. لازم به ذکر است پربسامدترین تشبیه در حدیقه تشبیه بلیغ است. برخی از این تشبیهات بدین قرارند: «آتش عشق» (ص ۷۴، بیت ۱)، «ملک استغنا» (ص ۲۱۱، بیت ۵)، «ترازوی انصاف» (ص ۱۵۸، بیت ۸)، «نور ایمان» (ص ۷۵، بیت ۲)، «صبح پیری» (ص ۷۱۹، بیت ۱۹)، «بوته توبه» (ص ۱۵۷، بیت ۳)، «قبای بقا» (ص ۳۴۵، بیت ۱۵)، و «سنگ غم» (ص ۳۳۳، بیت ۵).

در دفتر اول مثنوی نیز بسامد تشبیه بلیغ اضافی کمتر از تشبیه بلیغ غیراضافی (حدود یک‌دوم) است. «باد شهوت» (بیت ۳۷۹۶)، «چوب استدلال» (بیت ۲۱۳۵)، «بحر اسرار» (بیت ۲۸۴۳)، «گندم اعمال» (بیت ۳۸۲)، «طوفان بیداری» (بیت ۴۰۴)، «تیغ حلم» (بیت ۳۷۴۶)، «دام تن» (بیت ۳۸۸)، «اسب جان» (بیت ۴۰۰)، «تخم خدمت» (بیت ۲۸۱۵) نمونه‌هایی از این تشبیهات هستند. بنابراین در این اثر نیز تشبیه بلیغ پربسامدترین نوع تشبیه است. می‌توان گفت تشبیه بلیغ یک مرحله قبل از استعاره قرار دارد و از این نوع نزدیک‌ترین نوع تشبیه به استعاره است. هدف تشبیه بلیغ تأکید در تشابه و نزدیکی مشبه به مشبه‌به و مبالغه در ادعای اتحاد بین دو طرف تشبیه از تمامی جهات است؛ زیرا حذف ادات بیانگر اتحاد مشبه و مشبه‌به است؛ به گونه‌ای که دو طرف مساوی شده و برتری مشبه از بین می‌رود. بنابراین علت پرتکرار بودن تشبیه بلیغ در این دو اثر این است که سنایی و مولوی در تصویرسازی از مفاهیم سعی دارند مخاطب را اقناع کنند که طرفین تشبیه در همه صفات اتحاد دارند؛ به طوری که مشبه همان مشبه‌به است. از سویی دیگر «تشبیهاتی که در آن‌ها وجه شبه و ادات تشبیه ذکر نشده است، شعر را بیشتر به فضای ابهام‌آمیز و ویژه شعر می‌کشاند» (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۲۲۱ و ۲۲۲).

تقسیم تشبیهات برحسب حسی یا عقلی بودن طرفین تشبیه

حسی بودن یعنی قابل درک و دریافت بودن با حواس پنج‌گانه ظاهر و عقلی بودن به معنای مطلق غیرحسی است. در کتاب معالم البلاغه آمده است که تشبیه عقلی سه دسته وهمیات، وجدانیات و عقلیات صرف را نیز دربرمی‌گیرد. در توضیح این موارد می‌خوانیم: «مراد از وهمی در این مقام چیزی است که نه خودش و نه تمام موادش در خارج موجود نباشد، لیکن به نحوی باشد که اگر اجزایش به تمامی موجود شود، خود آن هم محسوس گردد؛ مانند پر و بال

سیمرغ و صدای غول، اما وجدانیات اموری هستند که به قوای باطنه ادراک شوند مانند لذت، الم، سیری، گرسنگی، تشنگی، اما عقلیات صرفه عبارتند از: معانی کلی که مدرک آنها عقل است بالاستقلال؛ یعنی عقل آنها را بدون واسطه قوای نفسانی ادراک می‌کند مانند حقیقت انسان، حقیقت نور و ...» (رجایی، ۱۳۷۲: ۲۴۴-۲۴۶). با در نظر گرفتن حسی یا عقلی بودن مشبه یا مشبه‌به، چهار نوع تشبیه خواهیم داشت، در اینجا این چهار قسم را ذکر می‌کنیم.

الف) تشبیه معقول به محسوس: یکی از جنبه‌های هنری تشبیه که شاید بزرگ‌ترین و برجسته‌ترین جنبه باشد، همین پیوند دادن معقولات به محسوسات است. کروچه می‌گوید: «تصور آن گاه جنبه هنری پیدا می‌کند که معقولی را به محسوسی پیوند دهد» (کروچه، ۱۳۴۴: ۷۹). در این تقسیم‌بندی، دومین تشبیه پرکاربرد در حدیقه سنایی از نوع تشبیه معقول به محسوس است. چند نمونه از این تشبیه در حدیقه آورده می‌شود:

زهر قهر از میان جان دارند شکر شکر بر زبان دارند
(سنایی، ۱۳۹۲: ۴۹۰، ب، ۶)

هر که او تخم کاهلی کارد کاهلی، کافریش بار آرد
(همان، ۷۳)

همچنین بر اساس یافته‌های پژوهش، تشبیه از نوع معقول به محسوس دارای بیشترین بسامد در دفتر نخست مثنوی معنوی است و در واقع بیش از نیمی از تشبیهات در این اثر از نوع محسوس به معقول هستند. در واقع تشبیه «معقول به محسوس» و «محسوس به محسوس» در حدیقه و مثنوی به ترتیب دارای جایگاه دوم و اول، و اول و دوم هستند و جای خود را به یکدیگر می‌دهند. به چند نمونه از این تشبیه در مثنوی توجه کنید:

روح او چون صالح و تن ناقه است روح اندر وصل و تن در فاقه است
(مولوی، ۱۳۶۸: ج ۱، ۲۵۵۱)

این قضا ابری بود خورشیدپوش شیر و اژدرها شود زو همچو موش
(مولوی، ۱۳۶۸: ج ۱، ۱۲۵۵)

در این نوع تشبیه، طرفین تشبیه از دو نوع عقلی و حسی تشکیل شده‌اند. در مثنوی و حدیقه به‌کارگیری این نوع تشبیهات برای بیان مضامین تعلیمی - عرفانی و اخلاقی است. در این نوع تشبیه غالباً مولانا و سنایی کوشیده‌اند امری معقول اعم از حالت عاطفی، خوی و خصلت اخلاقی، مفهومی معقول یا امور مربوط به عالم غیب و مجردات را از راه مانند کردن آن به امر

محسوسى که از جهت یا جهاتی مشابه آن امر معقول است، به ذهن شنونده و فهم و ادراک او نزدیک نمایند. این امر موجب شده مباحث مطرح شده در این آثار برای عامه مردم، و نه فقط قشر خاصی، قابل فهم باشد. این مشبه‌ها عموماً از تجربیات عادى زندگى انسان‌ها وام گرفته شده است.

ب) تشبیه محسوس به محسوس: در این نوع تشبیه، مشبه و مشبه‌به، هر دو با یکی از حواس ظاهر قابل درک و دریافت‌اند. هدف از این تشبیه آن است که نقش مشبه، به وسیله مشبه‌بھی که در وجه‌شبه موردنظر شاعر، اوضح و اعرف از مشبه است، به خواننده یا مخاطب شناسانده شود. بیش از نیمی از تشبیهات حدیقه از نوع محسوس به محسوس است و سنایی از میان تشبیه‌ها به تشبیه حسی به حسی علاقه بیشتری داشته است. این امر در مقایسه با مثنوی معنوی نشان می‌دهد مولانا بیش از سنایی علاقه‌مند به حوزه مفاهیم معقول و توصیف آن از راه تشبیه به محسوسات بوده است و ذهن پیچیده‌تر و حکیمانه‌تری در این مورد داشته است و همچنین در پی عینیت بخشیدن و ساده‌سازی مباحث و مفاهیم بوده است. چند نمونه از این تشبیه در حدیقه آورده می‌شود:

کوکب از راه کهکشان پیدا راست چون اشک و چشم نابینا
(سنایی، ۱۳۹۲: ۳۴۳، ب ۱۶)

گردن جمله از تف سیلی همچو کرباس در کف نیلی
(همان، ۶۷۰، ب ۱۲)

همچنین دومین نوع تشبیه از لحاظ بسامد در مثنوی، تشبیه محسوس به محسوس (حدود یک‌سوم) است. از این رو می‌توان گفت دومین حوزه مورد علاقه یا توجه مولانا برای توصیف از طریق تشبیه، محسوسات هستند.

صد هزاران شیر بود او در تنی او چو آتش بود و عالم خرمنی
(مولوی، ۱۳۶۸: ج ۱، ۳۱۳)

آن کنیزک از مرض چون موی شد چشم شه از اشک خون جوی شد
(همان، ج ۱، ۵۲)

ج) محسوس به معقول: در این تشبیه، مشبه، محسوس و مشبه‌به معقول است، در این نوع تشبیه، مشبه‌به معقول، وجه‌شبه و مقصود موردنظر شاعر را صریح‌تر و روشن‌تر از مشبه که حسی است بیان می‌نماید، علاوه بر این به‌نظر می‌رسد در این گونه موارد، هدف شاعر نوعی

ارتقا بخشیدن به شأن و مرتبه امر محسوس است، چراکه در خصوصیت موردنظر او، آن محسوس با آن معقول رقابت می‌کند و گاه نیز ممکن است که مشبه‌به عقلی برای مشبه حسی نوعی اغراق در بیان مقصود را به همراه داشته باشد. این تشبیه در حدیقه در ردیف سوم از این تقسیم‌بندی قرار دارد. از آنجایی که یکی از اثرات احتمالی استفاده از تشبیه محسوس به معقول، پیچیدگی و ابهام در توصیف است و سنایی و مولوی به ساده‌سازی مباحث و جنبه‌ی تعلیمی بخشیدن به آن علاقه دارند، بسیار کم از آن استفاده کرده‌اند. به نمونه‌هایی از این تشبیه در حدیقه توجه کنید:

در سخن لفظ او چو سحر حلال در جهان جود او چو عذب زلال
(سنایی، ۱۳۹۲: ۵۱۳، ب ۶)

می‌نینی از آن که شب‌کوری روز، چون عقل ابلهان عوری
(همان، ۸۹، ب ۱۳)

این تشبیه در دفتر اول مثنوی در ردیف آخر این تقسیم‌بندی جای دارد و میزان کاربرد آن از حدیقه نیز کمتر است؛ چراکه اصولاً دشوار و پیچیده ساختن مفاهیم از اهداف ادبیات تعلیمی به دور است.

موج خاکی وهم و فهم و فکر ماست موج آبی محو و سُکر است و فناست
(مولوی، ۱۳۶۸: ج ۱، ۵۷۵)

دست بگشاد و کنارانش گرفت همچو عشق اندر دل و جانش گرفت
(همان، ج ۱: ۹۳)

د) تشبیه معقول به معقول: در این نوع تشبیه مشبه و مشبه‌به هر دو عقلی هستند. این تشبیه دارای کمترین بسامد در حدیقه است. در مجموع این نوع تشبیهات در ادبیات فارسی، کمتر دیده می‌شود؛ چراکه اصولاً توصیف مفهومی عقلانی با مفهوم عقلانی دیگر تا حدودی از اهداف تشبیه دور است.

هنر از مرد همچو روح از تن بی هنر، زنده جان و مرده بدن
(سنایی، ۱۳۹۲: ۲۹۹، ب ۶)

در دفتر اول مثنوی معنوی این تشبیه در ردیف سوم از این تقسیم‌بندی قرار دارد.

خاتم ملک سلیمان است علم جمله عالم صورت و جان است علم
(مولوی، ۱۳۶۸: ج ۱، ۱۰۳۰)

تقسیم تشبیهات بر حسب مفرد، مرکب و مقید بودن

الف) تشبیه مفرد: در این نوع تشبیه، مشبه و مشبه‌به تصویر فقط یک چیز است؛ بدون آنکه صفت یا مضاف‌الیه آن را همراهی کند. در این تقسیم‌بندی، عمده تشبیهات در حدیقه از نوع تشبیه مقید است. سنایی به مقید ساختن مشبه به‌ویژه با «صفت» علاقه‌مند است و با این روش مشبه یا مشبه‌های خود را به صورت دقیق‌تر و با جزئیات بیشتری توصیف می‌کند. در مثنوی اما تعداد تشبیهات مفرد بیشتر از تشبیهات مقید است.

ب) تشبیه مقید: اگر مشبه یا مشبه‌به مقید به قیدی باشد، تشبیه را مقید می‌گویند. دریافت تصویر حاصل از این تشبیه به کمک عناصر متعددی که به هم اضافه شده‌اند میسر می‌شود. این تصاویر گسترش‌یافته‌تر از تصاویری هستند که در دو سوی تشبیه مفرد می‌بینیم. سنایی اغلب مشبه یا مشبه‌های خود را همراه با قید توصیف کرده است. در بیشتر موارد قید یا وجه شبه است یا به درک وجه شبه کمک می‌کند. به نمونه‌هایی از این نوع تشبیه در این دو اثر اشاره می‌شود:

کاغذ نامه همچو روضه نور صورت حرف، زلف بر رخ حور
(سنایی، ۱۳۹۲: ۶۱۳، ب ۶)

آن بت منحوت چون سیل سیاه نفس بتگر چشمه‌ای بر آب راه
(مولوی، ۱۳۶۸: ج ۱، ۷۷۶)

ج) تشبیه مرکب: «تشبیه مرکب هیأتی از چند چیز است، با زبان امروز تابلو و تصویری است ذهنی که چند چیز در به‌وجود آمدن آن توأمان نقش داشته باشند [...]». در تشبیه مرکب جایز نیست که طرفین را تک‌تک به‌عنوان مشبه و مشبه‌به در نظر بگیریم [...]. در تشبیه مرکب وجه شبه هم مرکب است» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۴۰-۴۱). در خصوص این تشبیه گفته‌اند: تشبیهی است که می‌توان تصویر حاصل از آن را به صورت یک تابلو نقاشی درآورد. این تشبیه در روند تطور هنری خود از سبک خراسانی عبور کرده و سرانجام به شکلی بسیار فشرده، در شعر سبک عراقی و هندی جلوه کرده است (ر.ک: حکیم‌آذر، ۱۳۹۰: ۳۷). در حدیقه تشبیه مرکب پس از تشبیه بلیغ، پرکاربردترین تشبیه است.

علم جست از درون اهل صواب همچو در جوی خرد روشن آب
(سنایی، ۱۳۹۲: ۳۲۳، ب ۱۳)

نقش معنی ز خط او در صدر بود روز نهفته در شب قدر

(همان، ۲۷۵، ب ۱)

در دفتر اول مثنوی نیز تشبیه مرکب جزو چند تشبیه پرکاربرد است. در بین حالات مختلفی که مشبه به از قبیل مفرد، مقید و مرکب می‌تواند بپذیرد، مشبه به مرکب ارزش ادبی و بلاغی خاص دارد. این نوع تشبیه که در این دو اثر به وفور به کار رفته، در قابل درک کردن امور انتزاعی و دشوار بسیار مؤثر است.

نقش باشد پیش نقّاش و قلم عاجز و بسته چو کودک در شکم
(مولوی، ۱۳۶۸: ج ۱، ۶۱۱)

نکته‌ای کان جست ناگه از زبان همچو تیری دان که جست آن از کمان
(همان، ج ۱: ۱۶۵۸)

تقسیم تشبیهات بر حسب شکل آن‌ها

تشبیه را از نظر شکل ظاهری به انواعی تقسیم می‌کنند. مقصود از شکل ظاهری تعداد و یا تعدد مشبه و مشبه به و ترتیب قرار گرفتن آنها در یک تشبیه و یا آوردن چند تشبیه در کنار هم است. در این تقسیم‌بندی تشبیه‌های پنهان و نیز تشبیه‌هایی که در آنها، مشبه بر مشبه به برتری داده می‌شود، نیز قرار دارند. در ادامه به بررسی هریک از انواع این تشبیهات پرداخته می‌شود.

الف) تشبیه ملفوف: در این نوع تشبیه باید «چند مشبه (حداقل دو تا) جداگانه ذکر شوند و سپس مشبه به‌های هر کدام گفته شود» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۴۷). در حدیقه تشبیه ملفوف در مقایسه با سایر انواع تشبیه، از نظر بسامد در میانه قرار دارد و کاربرد بیشتری از تشبیهاتی چون تشبیه تفضیل، مضمّر، مقلوب، و تسویه دارد.

دست و تیغش قضا شمار و قدر تیر و رمحش به سان شمس و قمر
(سنایی، ۱۳۹۲: ۵۲۲، ب ۱۳)

دل و چشمش ز شوق در محراب چشمه آفتاب و چشمه آب
(همان، ۲۴۲، ب ۳)

تشبیه ملفوف در دفتر اول مثنوی جزو تشبیهات کم‌کاربرد است.

این زمین پاک و آن، شوره‌ست و بد این فرشته پاک و آن دیو است و دد
(مولوی، ۱۳۶۸: ج ۱، ۲۷۴)

صورت از معنی چو شیر از بیشه دان یا چو آواز و سخن ز اندیشه دان
(همان، ج ۱: ۱۱۳۶)

ب) تشبیه مفروق: در این نوع تشبیه نیز مانند تشبیه ملفوف چند تشبیه در کنار یکدیگر می‌آیند، با این تفاوت که هر مشبه در کنار مشبه‌به خود قرار می‌گیرد. این تشبیه جزو تشبیهات تقریباً پرکاربرد در حدیقه و تعدد تشبیه در آن سبب خیال‌انگیزی و کوشش ذهنی بیشتر مخاطب می‌شود. بنابراین در هر دو اثر نمونه‌های قابل توجهی از آن مشاهده می‌شود.

خشم چون تیغ و حلم چون زره است تو مهی ز آن گزین ز به که به است
(سنایی، ۱۳۹۲: ۵۵۰، ب ۷)

کاربرد تشبیه مفروق در دفتر اول مثنوی بسیار بیشتر از تشبیه ملفوف است. در واقع پر کاربردترین تشبیه به اعتبار شکل آن، در دفتر اول مثنوی تشبیه مفروق است.

آن خطا دیدن ز ضعف عقل اوست عقل کل مغز است و عقل جزو پوست
(مولوی، ۱۳۶۸: ج ۱، ۳۷۴۳)

ما چو زنبوریم و قالب‌ها چو موم خانه خانه کرده قالب را چو موم
(همان، ج ۱: ۱۸۱۳)

ج) تشبیه جمع: در این تشبیه برای یک مشبه، چند مشبه‌به آورده می‌شود. پرکاربردترین تشبیه به اعتبار شکل آن، در حدیقه سنایی تشبیه جمع است. او با استفاده از تشبیه جمع تصویری چندبعدی مرکب از چند جزء خلق می‌کند که از سویی به تازگی و غرابت و شگفتی تصویر تشبیهی می‌افزاید و از سوی دیگر جنبه توصیفی آن را تقویت می‌کند.

آب و لؤلؤ و جان، صفات اوست ابر و دریا و کان، سخاوت اوست
(سنایی، ۶۱۳۱۳۹۲، ب ۱۶)

عقل هم گوهر است و هم کان است هم رسول است و هم نگهبان است
(همان، ۲۹۵، ب ۱۵)

گفت پیغمبر که اصحابی نجوم رهروان را شمع و شیطان را رجوم
(مولوی، ۱۳۶۸: ج ۱، ۳۶۵۶)

دید درگاهی پر از انعام‌ها اهل حاجت گستریده دام‌ها [...]
بهر گبر و مؤمن و زیبا و زشت همچو خورشید و مطرب بل چون بهشت
(همان، ج ۱: ۲۷۳۷ و ۲۷۳۹)

د) تشبیه تسویه: این تشبیه عکس تشبیه جمع است؛ یعنی برای چند مشبه یک مشبه‌به می‌آورند. این تشبیه در هر دو اثر جزو تشبیهات کم‌کاربرد است. اصولاً در اهداف تربیتی،

گوینده تا حد امکان سعی می‌کند در مقابل هر مشبه، حداقل یک مشبه‌به قرار دهد تا به ایضاح مطلب و انتقال پیام کمک کند. از این جهت است که بسامد تشبیه تسویه بیشتر از تشبیه جمع در این دو اثر است.

۶۵

ظلم، صفرای ملک و دین آمد رای و تیغش، سکنجبین آمد
(سنایی، ۱۳۹۲: ۵۸۷، ب ۶)

در غرورش توانگر و درویش راست همچون خیال گنج‌اندیش
(همان، ۳۶۲، ب ۳)

عاقل اندر بیش و نقصان ننگرد زان که هر دو همچو سیلی بگذرد
(مولوی، ۱۳۶۸: ج ۱، ۲۲۸۹)

ه) تشبیه مضمَر: مضمَر به معنی پنهان و پوشیده است و تشبیه مضمَر، تشبیهی است که در ظاهر کلام آشکار نیست و باید از معنای کلام و مقصود گوینده به آن پی برد. این تشبیه در هر دو اثر بسامد چندانی ندارد اما در مثنوی کمی بیشتر دیده می‌شود. از آنجایی که سنایی و مولوی هر دو بیش از آنکه در پی زیبایی‌های هنری و زبانی باشند، به دنبال انتقال مفهوم هستند، از تشبیه مضمَر کمتر بهره برده‌اند؛ چراکه کاربرد این نوع تشبیه بدین معنی است که ظاهراً با ساختار تشبیهی مواجه نیستیم ولی مقصود گوینده تشبیه است. در بیت زیر جهان اسباب به کشتی تشبیه شده است.

خلق تا در جهان اسبابند همه در کشتی‌اند و در خوابند
(سنایی، ۱۳۹۲: ۱۲۰، ب ۵)

از زمین بوی مشک برخیزد خون عاشق، چو زلف او ریزد
(همان، ۳۵۹، ب ۱۳)

در بیت فوق نیز زلف در نهان به مشک تشبیه شده است. مثال‌های زیر از دفتر نخست مثنوی است. در بیت اول جسم به خورشید و در بیت دوم دل به صدف و مرجع ضمیر آن (اندیشه نیک و بد) به دُر تشبیه شده است.

گرچه جسم نازکت را زور نیست لیک بی خورشید ما را نور نیست
(مولوی، ۱۳۶۸: ج ۱، ۲۳۹)

روز دل‌ها را از آن پر می‌کند آن صدف‌ها را پر از دُر می‌کند
(همان، ج ۱: ۱۶۸۳)

و) تشبیه تفضیل: تفضیل به معنای برتری است و علت نام‌گذاری این تشبیه این است که در این نوع تشبیه «نخست مشبه را به چیزی تشبیه کنند، سپس از گفته خود عدول کرده، مشبه را بر مشبه به ترجیح نهند» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۵۰). این تشبیه جزو کم‌کاربردترین تشبیهات در حدیقه است. در تشبیه تفضیل نویسنده یا شاعر «نه تنها مشبه را به مشبه به ترجیح می‌دهد، بلکه همان خاصیت طبیعی را نیز از آن سلب می‌نماید و جنبه منفی و حداقل کم‌خاصیتی و انفعال بدان نسبت می‌دهد و رابطه طرفین مبدل به تضاد و تقابل می‌گردد» (طالبیان، ۱۳۸۴: ۳۴). بنابراین، این نوع تشبیه از سویی نشان‌دهنده تناسی تشبیه و از سوی دیگر بیان حال مشبه و تفضیل آن بر مشبه است. همان‌طور که مشخص است استفاده از این تشبیه نیز با اهداف تعلیمی در تناقض است.

سپیل نامد، نهال‌کن‌تر از او مرغ نامد، قفس‌شکن‌تر از او
(سنایی، ۱۳۹۲: ۱۹۷، ب ۱۷)

ظلمتی را که آفتابش بر نداشت از دم ما گردد آن ظلمت چو چاشت
(مولوی، ۱۳۶۸: ج ۱، ۱۹۴۲)

ای جفای تو ز دولت خوب‌تر و انتقام تو ز جان محبوب‌تر
(همان، ج ۱: ۱۵۶۶)

ز) تشبیه مقلوب یا عکس: شبیه مقلوب جابه‌جا کردن مشبه و مشبه به و وارونه ساختن رابطه تشبیهی میان طرفین تشبیه بدون تغییر دادن خود آن طرفین است. در تشبیه مقلوب طرفین تشبیه ثابت‌اند و هر کدام یک بار مشبه و یک بار مشبه به واقع می‌شوند. این تشبیه فقط یک بار در حدیقه آمده است و در دفتر اول مثنوی مشاهده نشد.

یار، مار است چون زنی تو درش مار، یار است چون رمی ز برش
(سنایی، ۱۳۹۲: ۷۷، ب ۳)

تقسیم تشبیهات بر حسب عناصر به‌کاررفته در مشبه به آنها

بر این اساس تشبیهات به ۹ دسته تقسیم شده‌اند: ۱. پدیده‌های طبیعی، ۲. مصنوعات انسان، ۳. انسان، متعلقات و ملزومات احوال او، ۴. حیوانات و متعلقات آنها، ۵. بنا و متعلقات بنا، ۶. امور عقلی - وهمی، ۷. عناصر دینی و اساطیری، ۸. عناصر فرهنگی و اساطیری، ۹. شخصیت‌های دینی و تاریخی (ر.ک: گلچین، ۱۳۹۰: ۳۴۶). تنوع عناصر به‌کار رفته در مشبه به تشبیهات، نشانگر وسعت قلمرو اطلاع و معرفت شاعر در زمینه‌های مختلف است.

پرکاربردترین گروه در میان مشببه‌های حدیقه پدیده‌های طبیعی و سپس انسان و متعلقات و ملزومات احوال او هستند. از بین پدیده‌های طبیعی، آسمان، فلک، خورشید، ستاره و سایر اجرام آسمانی مواردی نزدیک به این گروه مانند باد، ابر، آتش و آب بیشترین مشببه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین از مصنوعات انسان که در سومین جایگاه از نظر بسامد قرار دارد، جواهرات و ابزار زینتی مانند «دُر»، «لعل» و «مرجان»، و لوازم پادشاهی مانند «تاج» و «تخت»، و سپس ابزارآلات جنگی مانند «زره»، «جوشن»، «کمان»، «تیر»، و «تیغ» در صدر قرار دارند. چهارمین گروه متعلق به حیوانات است که حیواناتی چون مار، سگ، اسب، باز، شتر و خر دارای بیشترین تکرار هستند. گروه بعدی عناصر دینی و فرهنگی هستند که عناصر مربوط به دین اسلام در صدر قرار دارند. «براق»، «دوزخ»، «بهشت»، «فرشته»، «زمزم»، «کعبه» و «طوبی» جزو این موارد هستند. امور عقلی و وهمی در ردیف ششم عناصر به‌کاررفته در مشببه‌های حدیقه جای گرفته‌اند. «جان»، «عقل»، «قضا»، «اجل»، «امل» و «اقبال» از پرتکرارترین این موارد به‌شمار می‌روند. بنا و متعلقات آن مانند «در»، «دروازه»، «محراب»، «بارگاه»، «خرگاه»، «بام» و «ستون» نیز در ردیف بعدی این تقسیم‌بندی قرار می‌گیرند. عناصر فرهنگی و اساطیری مانند «دیو»، «اژدها»، «شبدیز»، «رخش»، «بیژن»، «عنقا»، و «هما» در جایگاه هشتم عناصر به‌کاررفته در مشببه‌های حدیقه قرار دارند. آخرین گروه با کمترین بسامد متعلق به شخصیت‌های دینی و تاریخی است که «معاویه»، «قوم عاد»، «حضرت عیسی (ع)»، «حضرت موسی (ع)»، «سامری»، و «حضرت یوسف (ع)» جزو این دسته قرار می‌گیرند.

همچنین در دفتر نخست مثنوی نیز بیشترین عناصر به‌کاررفته در مشببه‌ها پدیده‌های طبیعی هستند که در آن میان سهم «آب» و متعلقات آن مانند «دریا»، «موج»، «چشمه»، «نهر»، و «جوی» بیش از بقیه است. پس از آن نیز اجرام آسمانی مانند ماه و خورشید قرار دارند. در ردیف دوم مصنوعات انسان جای دارند که ابزار و وسایلی چون «پرده»، «چراغ»، «شمع»، «آینه»، «زنجیر» و «کوزه» از بسامد بیشتری برخوردارند. انسان و متعلقات و ملزومات احوال او دسته سوم از لحاظ بسامد در این طبقه‌بندی هستند و بعد از آنها، حیوانات قرار می‌گیرند. حیواناتی مانند «شیر»، «مرغ»، «ماهی» و «مار» بیش از سایر حیوانات در جایگاه مشببه‌ها قرار گرفته‌اند. بنا و متعلقات آن همچون «ستون»، «دیوار»، «ایوان»، و «زندان» نیز در ردیف بعدی جای دارند. امور عقلی و وهمی در رتبه ششم قرار دارند و «جان»، «عمر»، «عقل»، و «کفر» دارای بیشترین تکرار در این گروه هستند. رتبه هفتم متعلق به عناصر دینی و اساطیری مانند «ابلیس»، «دوزخ»، و «فرشته»

است. عناصر فرهنگی و اساطیری مانند «سیمرغ»، «آب حیوان»، «دیو» و «اژدها» نیز در جایگاه بعدی هستند. در مثنوی نیز مانند حدیقه کم‌بسامدترین گروه شامل شخصیت‌های دینی و تاریخی است که پرتکرارترین آنها «حضرت سلیمان (ع)»، «بوجهل»، «حضرت ایوب (ع)»، «مجنون»، «افلاطون»، و «دجال» هستند.

در مثنوی، بیشترین چیزی که از طریق تشبیه، توصیف شده است، «انسان» است. این مشبه در حدیقه نیز در جایگاه سوم قرار دارد. توجه به انسان و شناخت ماهیت وی موضوعی است که از قدیم‌الایام مورد توجه مذاهب و مکاتب و فرهنگ‌های گوناگون بوده است و کمتر مکتب فکری و فلسفی را می‌توان سراغ گرفت که به گونه‌ای به شناسایی انسان نپرداخته باشد. از این رو قرار گرفتن «انسان» در صدر مشبه‌های حدیقه و دفتر اول مثنوی مسئله‌ای موردانتظار و طبیعی است. همچنین پرداختن به مباحث و مفاهیمی مانند دل، عقل، جان و نفس نشان از دغدغه این دو شاعر در مورد شرح و توصیف مفاهیم پایه و اصولی عرفان و تصوف دارد. ده مشبه پربسامد در حدیقه عبارتند از: دل، عقل، انشان، جان، پیامبر (ص)، نفس، علم، علی (ع)، عشق، و دنیا. ده مشبه پربسامد در مثنوی نیز عبارتند از: انسان، جان، دل، حضرت علی (ع)، علم، نفس، عقل، آب، آتش، عشق.

همچنین پربسامدترین مشبه به مشترک در دو اثر «آب» است. آب یکی از محورهای مهم نمادپردازی در این دو اثر به‌ویژه مثنوی است که به دلیل ویژگی‌های ذاتی خود از جمله پاکی، پاک‌کنندگی، حیات‌بخشی، شکل‌پذیری، سیالیت و مانند آن از قابلیت پذیرش معانی نمادین متعددی برخوردار است. در این دو اثر آب دارای نمادپردازی دوگانه است؛ یعنی هم سرچشمه زندگی است و هم مایه مرگ و نابودی و ویرانی. ده مشبه به پربسامد در حدیقه عبارتند از آب، دُر، آفتاب، سگ، شمع، ماه، مار، گوهر، دیو، چراغ، و صدف. و ده مشبه به پربسامد در دفتر اول مثنوی عبارتند از: آب، آتش، آفتاب، جان، دریا، شیر، آینه، تیغ، گوهر، ماه.

نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های پژوهش نتایج ذیل به دست آمده است:

مولوی کمتر از سنایی به بیان تمامی ارکان در تشبیه رغبت نشان داده است که البته این امر می‌تواند ناشی از رشد و تطور تشبیه و حرکت هرچه بیشتر آن به سمت استعاره در طول تاریخ بلاغت باشد.

در حدیقه کاربرد تشبیه مفصل در مقایسه با تشبیه مجمل بسیار کمتر است. این امر نشان

می‌دهد سنایی علاقه‌ای به ذکر وجه‌شبهه و تبیین آن برای مخاطب نداشته است و تلاش ذهنی و ادبی مخاطب را خواستار است. در دفتر اول مثنوی نیز این نوع تشبیه در مقایسه با تشبیهات مجمل دارای بسامد بسیار کمتری است و از این نظر میان این دو اثر شباهت وجود دارد.

تشبیه مجمل در حدیقه جزو تشبیهات پرکاربرد است و بخش عمده تشبیهات این اثر خالی از اشاره به وجه شبهه هستند (با احتساب تشبیه‌های بلیغ). در دفتر نخست مثنوی نیز بسامد تشبیه مجمل تقریباً چهار برابر تشبیهات مفصل است.

پربسامدترین تشبیه در این دو اثر تشبیه بلیغ است.

تشبیه از نوع معقول به محسوس دارای بیشترین بسامد در دفتر نخست مثنوی معنوی است و در واقع بیش از نیمی از تشبیهات در این اثر از نوع محسوس به معقول هستند. بیش از نیمی از تشبیهات حدیقه نیز از نوع محسوس به محسوس است و سنایی از میان تشبیه‌ها به تشبیه حسی به حسی علاقه بیشتری داشته است. این امر در مقایسه با مثنوی معنوی نشان می‌دهد مولانا بیش از سنایی علاقه‌مند به حوزه مفاهیم معقول و توصیف آن از راه تشبیه به محسوسات بوده است و ذهن پیچیده‌تر و حکیمانه‌تری در این مورد داشته است و همچنین در پی عینیت بخشیدن و ساده‌سازی مباحث و مفاهیم بوده است.

عمده تشبیهات در حدیقه از نوع تشبیه مقید است. سنایی به مقید ساختن مشبه به‌ویژه با «صفت» علاقه‌مند است و با این روش مشبه یا مشبه‌های خود را به‌صورت دقیق‌تر و با جزئیات بیشتری توصیف می‌کند. در مثنوی اما تشبیهات مفرد بیشتر از تشبیهات مقید هستند.

تشبیه مرکب جزو چند تشبیه پرکاربرد در این دو اثر است.

پرکاربردترین تشبیه به اعتبار شکل آن، در حدیقه سنایی تشبیه جمع و در دفتر اول مثنوی تشبیه مفروق است.

پرکاربردترین گروه در میان مشبه‌به‌های حدیقه و دفتر نخست مثنوی پدیده‌های طبیعی هستند.

در مثنوی، بیشترین چیزی که مورد توصیف از طریق تشبیه قرار گرفته است، «انسان» است. این مشبه در حدیقه نیز در جایگاه سوم قرار دارد. توجه به انسان و شناخت ماهیت وی موضوعی است که از قدیم‌الایام مورد توجه مذاهب و مکاتب و فرهنگ‌های گوناگون بوده است و کمتر مکتب فکری و فلسفی را می‌توان سراغ گرفت که به گونه‌ای به شناسایی انسان نپرداخته باشد.

همچنین پربسامدترین مشبیه مشترک در دو اثر «آب» است. آب یکی از محورهای مهم نمادپردازی در این دو اثر به‌ویژه مثنوی است که به‌دلیل ویژگیهای ذاتی خود از جمله پاکی، پاک‌کنندگی، حیات‌بخشی، شکل‌پذیری، سیالیت و مانند آن از قابلیت پذیرش معانی نمادین متعددی برخوردار است.

منابع

کتاب‌ها

پورنامداریان، تقی (۱۳۸۱) *سفر در مه*، تهران: آگاه.
رجایی، محمدخلیل (۱۳۶۸) *معالم‌البلاغه*، تهران: علمی و سخن.
سنایی، مجدودبن آدم (۱۳۲۹) *حدیقه‌الحقیقه و طریقه‌الشریعه*، به تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
شمیسا، سیروس (۱۳۸۱) *بیان و معانی*، تهران: فردوس.
کروچه، بندتو (۱۳۴۴) *کلیات زیبایی‌شناسی*، ترجمه فؤاد روحانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۶۸) *مثنوی معنوی*، به تصحیح رینولد نیکلسون، تهران: مولی.
میرصادقی، میمنت (۱۳۷۳) *واژه‌نامه هنر شاعری*، تهران: کتاب مهناز.

مقالات

حکیم‌آذر، محمد. (۱۳۹۰). ساختار تشبیه مرکب در شعر منوچهری دامغانی و فرخی سیستانی. *فنون ادبی*، ۳(۲)، ۳۷-۵۴. Dor:20.1001.1.20088027.1390.3.2.5.6.54-37

طالبیان، یحیی، محمدی افشار، هوشنگ. (۱۳۸۴). تشبیهات هنری در غزل سعدی. *زبان و ادبیات فارسی کرمان*، ۱۴(۲۲)، ۲۷-۵۲.

گلچین، میترا. (۱۳۹۰). بررسی ساختارهای مختلف تشبیه در مثنوی معنوی. *بهار ادب*، ۴(۱۱)، ۳۳۹-۳۵۲.

References

Books

- Pournamdarian, Taqi (2012) *Travel in the fog*, Tehran: Aghaz.
Rajaei, Mohammad Khalil (1989) *Ma'alam al-Balagha*, Tehran: Ilmi and Sokhn.
Sanai, Majdod Bn Adam (1950) *Hadiqah al-Haqiqah and Qaba al-Shari'ah*, edited by Mohammad Taghi Modares Razavi, Tehran: University of Tehran Press.
Shamisa, Siros (2002) *Expression and meanings*, Tehran: Ferdous.

Kroch, Bendeto (1956) *General Aesthetics*, translated by Fouad Rouhani, Tehran: Book Translation and Publishing Company.

Molavi, Jalaluddin Mohammad (1989) *Masnavi Manavi*, edited by Reynold Nicholson, Tehran: Molly.

Mirsadeghi, Meymanat (1994) *Dictionary of poetic art*, Tehran: Mehnaz book.

Articles

Golchin, M. (2011). Examining the different structures of similes in Masnavi Ma'navi. *Bahar Adab*, 4(11), 339-352.

Hakimazar, M. (2011). Compound simile in Farokhi Sistani and Manoochehri's works. *Literary Arts*, 3(2), 37-54. Dor:20.1001.1.20088027.1390.3.2.5.6

Talebian, Y, Mohammadi Afshar, H. (2005). Artistic similes in Saadi's Ghazal. *Kerman Persian Language and Literature*, 14(22), 27-52.

Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)
Volume 15, Number 55, Spring 2023, pp.52-72
Date of receipt: 12/10/2020, Date of acceptance: 8/12/2020
(Research Article)
DOI: [10.30495/dk.2023.700256](https://doi.org/10.30495/dk.2023.700256)

Comparative comparison of different forms of analogy in Sanai Hadith and Masnavi

Sohrab Yousefi¹, Dr. Mohammad Ali Khaledian², Dr. Ruhollah Hadi³, Dr. Hassan Ali Abbaspour Esfadan⁴

Abstract

Analyzing ancient works of Persian literature, most contents and themes of poems were the subject of speech, and the structure of poems, the relationship of speech components were less investigated. A poet communicates with nature and its beyond according to the technique and forms his mental structure with it. The current paper investigates and compares analogy and classifies its different structures in Hadighe Sana'ee and the first notebook of Masnavi Mulana, according to the analytical_ descriptive method and by the use of statistical surveys. Comparing the frequency of various forms of analogy in Hadighe Sana'ee and Masnavi Mulavi represents which structures and elements did Sana'ee and Mulana use in their educational style to achieve their goals. According to the findings, a kind of analogies, reasonable _to_ _sensible, in Masnavi and another kind of analogies, sensible _to_ _sensible, in Hadighe have been frequently used. In other classification, a collective analogy in Hadighe and subtracted analogy in Masnavi have been frequently used after the eloquent analogy, the most frequent one in Hadighe and Masnavi. Natural phenomena in both works have been mostly used elements in analogized words, as well. This can be influenced by the common naturalism in mysticism and Sufism, which in many cases also considers nature to have a soul and movement. one of the most frequent analogized word in these two works, is the term "human" and the most frequent word analogized to, is the term "water". This similarity is significant and it is worth investigating.

Keyword : Analogy, mysticism, Mulavi, Masnavi, Hadighe, Sana'ee.

¹ . PhD student, Department of Persian Language and Literature, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran. S.Yousefi@gorganiau.ac.ir

² . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran. Rhadi.ut.ac.ir

³ . Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding author) M.khaledian@gorganiau.ac.ir

⁴ . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran. abbaspour@gorganiau.ac.ir

